



یادداشت

## فن شریف کتاب‌باز بودن

☞ گذشته و فرهنگ باشکوهی داریم. در این شکی نیست. سربازهایمان در دوران هخامنشی روی الواح گلی دو ستون داشتند. روی یک ستون بیمه‌شان محاسبه و

روی یک ستون، فیش حقوقی‌شان حک می‌شده. این خیلی خوب است. به این‌ها اضافه کنیم کل شاعر و اندیشمند و بنای باستانی و زیگورات‌های تمدنی و منجم و نویسنده. این هم خیلی خوب است، اما قصه این است از جایی به بعد از کوهان خورديم. عین این‌که در ۴۰سالگی مدام توی رزمه‌مان بنویسیم معدل کارنامه‌های سه تلت کلاس اول تا پنجم‌مان همه ۲۰بود. در کشوری که آن را به شعر و ادبیات می‌شناسند، کتاب شد یک کالای اگر شد... اگر وقت بود... اگر پول داشتیم و متأسفانه در رسانه‌مان هم همین نگاه اتفاق افتاد. کسی کتاب را تحویل نمی‌گرفت، اگر هم بود خیلی توفیقی میان مخاطب کسب نکرد. دقایقش را یادم نیست، اما یک روز توی قاب تلویزیون تبلیغش را دیدیم. یک دکور جذاب با یک اسم جذاب‌تر. کتاب‌باز اسمی دوگانه‌که هم حالت دستوری معلم‌ها را تداعی می‌کرد که کتاب‌باز و هم معنای کتاب‌باز را می‌داد به معنی این‌که کسی خوره چیزی است. کتاب‌باز مثل نهالی تازه و پویا رشد می‌کرد. قسمت به قسمت بهتر می‌شد و فصل به فصل گوارا‌تر به کام مخاطبانش شربت کلمات را می‌چکاند. مهمان‌های جذاب، قصه‌های کتابی و حرف زدن راجع به کتاب‌هایی که تا حالا یاشان به تلویزیون باز نشده بود آمدند و انیس شب‌های مردم شدند. خاصیت کتاب‌باز این بود که دانایی نمی‌فروخت. تیختر نداشت و نجیبانه و موقر دانستن هدیه می‌داد. مهمان‌هاکسانی بودند که کلماتشان سال‌ها گوشه کتابخانه‌های مردم در قفسه‌ها نشسته بودند و مردم حالا آنها را می‌دیدند. با سوال‌هایی حساب شده و طراحی شده. مهمان برنامه اگر اصل جنس نبود زود دستش رو می‌شد و گفت‌وگو از جذابیت می‌افتاد. اضافه شدن احسان عبدی‌پورو واکاوی قصه‌هاهم چند قسمتی است ضریب جذابیت این برنامه را موسیقی ضریب داده است و کاری کرده که نتوانی توی قسمت احسان از جلوی تلویزیون تکان بخوری. کتاب‌باز، برنامه‌ای است که سال‌ها جایش خالی بود. یک عده دیوانه کتاب و دلسوز مردم دور هم جمع شدند و تنوری گرم کردند. مهمان‌ها هر کدام آمدند قرص نانی چسباندند و عطر نان مقدس کلمات حالا سرشَب‌ها مهمان خانه‌های ماست. دم همه آنها که تولید کردند، آنها که مهمانش شدند و همه مدیران دلسوزی که اعتماد کردند و گذاشتند کتاب‌باز، کتاب‌بالا ن شود گرم!

خبر

## تصویربرداری «المپیادی‌ها» در مشهد ادامه دارد



مجموعه اپیزودیک «المپیادی‌ها» با بازی رضا رویگری، بهنوش بختیاری و... هم‌اکنون در مشهد در حال تصویربرداری است. به گزارش مهر، اولین اپیزود از مجموعه اپیزودیک المپیادی‌ها به کارگردانی حسن حجگذار از چندی پیش در مشهد و روستای اخلمد مقابل دوربین رفته است. این مجموعه در هشت قسمت ۹۰دقیقه‌ای تولید می‌شود و پس از اتمام تصویربرداری اپیزود اول در یکی دو هفته آتی، سایر اپیزودهای مجموعه مقابل دوربین خواهد رفت.

رضا رویگری، شهنام شهابی، بهنوش بختیاری، حسن حجگذار، علیرضا شیخ‌الاسلام، کیانوش گرمی، سعیده عرب، شهرام لاسمی، علیرضا سوزنجی، اسماعیل پایگی، تکتک اخجوانی، سیما صادق‌زاده، سامان رخصتی و ... گروه بازیگران این پروژه را تشکیل می‌دهند.



وحدت در بین نخبگان جامعه و هم در میان توده مردم می‌شود و همچنین باعث می‌شود که ما بتوانیم تفکر وحدت را که ریشه نبوی و قرآنی دارد، در سراسر جهان اسلام توسعه دهیم. دبیرکل مجمع جهانی تقریب تأکید کرد: این رادیو موجب شد پیامی که مدنظر ما بود در سطح رسانه‌ها منتشر شود.

## چشم‌هایش...

☞ - وای! قلم داره از جاش درمی‌یاد... ببین چه تند تند می‌زنه... استاد منو یادشون بود. سروش این را بعد از این‌که تماسش با علی نصیریان تمام شد، گفت. دستش روی قلبش بود و خودش چشم‌هایش اولین چیزی بود که در صورتش دیده می‌شد. پذیرفته بود. ما هم هیجان‌زده شدیم و البته نگران... حالا با حضور عالیجناب، چطور برنامه را طراحی کنیم؟ با محمد رضا (رضاییان، تهیه‌کننده و کارگردان برنامه) چندبار نشستیم و فکر کردیم... چند ایده به ذهنمان رسید، اما من نگران اولین سوال بودم. به عکس‌هایش نگاه کردم. چشم‌هایش اولین چیزی بود که در صورتش دیده می‌شد. چشمانی نافذ، کنجکاو و پرشور. - یافتم! یافتم! سوال اول این است؛ استاد، این چشمان نافذ چه چیزی را تماشا می‌کنند؟ به دنبال چه هستند؟ زندگی را چگونه می‌بینند؟ این را به خودم گفتم. محمدرضا هم موافق بود. روز ضبط، از دوساعت قبل در استودیو داشتیم به طراحی بقیه مسیر گفت‌وگو فکر می‌کردم. بالاخره استاد آمد، با کلاهی برسرو با وقار یک عالیجناب، وارد استودیو شد. روی مبل نشست، کمی با ما گپ زد و یکراست رفتیم برای ضبط. سروش سلام کرد و بعد... بعد همه چیز جور دیگری پیش رفت. اصلا به سوال اول نرسیدیم. ما همه پشت دوربین‌ها، محو‌شور و شیرین‌سخنی او شدیم. با او خندیدیم، بغض کردیم و دست زدیم. اوجش هم جایی بود که اشک‌هایش را از چشمانش پاک کرد. پاسخ آن سوال را بدون آن‌که نیازی به پرسیدنش باشد، داده بود. پی‌نوشت: کتاب‌باز این فرصت را به من داده که با بزرگان بسیاری، از نزدیک آشنا شوم. ملاقات با عالیجناب نصیریان، اگرچه کوتاه‌ترین این فرصت‌ها بود، اما شیرین‌ترین و به یادماندنی‌ترین خواهد بود.



## کتاب‌های استاد

در این برنامه نام دو کتاب عنوان شد که بی‌ارتباط با استاد نصیریان نیست. «تماشاخانه» به قلم خود استاد که توسط انتشارات قطره منتشر شده و کتاب «نگاهی به زندگی و آثار استاد نصیریان» به قلم نگار حسینی که توسط انتشارات فرهنگ معاصر در دست انتشار است.

## قدردانی دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی از مدیر رادیو وحدت

بخشی‌زاده، معاون فعلی صدا و حمید شاه‌آبادی، معاون سابق صدا برای راه‌اندازی رادیو وحدت گفت: با همکاری معاونت صدای رسانه‌ملی و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، رادیو وحدت در طول ماه ربیع‌الاول سال جاری راه‌اندازی شد که بسیار اثرگذار بود. وی افزود: این نوع فعالیت‌های رسانه‌ای موجب تقویت فرهنگ

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر شهریار، دبیرکل مجمع جهانی تقریب طی مراسمی از مدیر رادیو وحدت قدردانی کرد. به گزارش روابط عمومی رسانه‌ملی و به نقل از خبرگزاری تقریب، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حمید شهریار در حاشیه جلسه شورای معاونین، طی سخنانی ضمن تشکر از همکاری علی



## حضور استاد علی نصیریان در برنامه «کتاب‌باز» با استقبال بسیار زیاد مخاطبان همراه شد

# عالیجناب کتاب‌باز

☞ بی‌شک یکی از ویژه‌ترین مهمان‌های برنامه «کتاب‌باز» در طول این مدت استاد نصیریان است که شب یلدا با حضور گرمش در برنامه و با شیوایی کلامش و بیان خاطرات ارزشمندش پلدای امسال را برای ما به یادماندنی‌تر کرد. با وجود این‌که کرونا دوره‌هی‌ها را از ما گرفت، اما در کنار استاد نصیریان یلدا را سپری کردن موهبتی بود که نصیب همه مردم ایران شد.

البته استاد سال ۱۳۹۷ هم مهمان ویژه برنامه یلدای رضا رشیدپور با عنوان «شب آرام» در شبکه‌سه بود که آن برنامه هم مورد توجه مخاطبان بسیاری قرار گرفت. استاد در این برنامه از علاقه‌اش به شعر و ادبیات گفت. از این‌که حتی در انشاءهای دوران مدرسه هم گریزی به شعر می‌زده. همچنین از عشق به کتاب و کتابخوانی که از دوران کودکی در وجودش شکل گرفته و این‌که به قدری برای کتاب ارزش قائل است که دوست ندارد به کسی کتاب‌هایش را که به نوعی گنجینه‌اش است، قرض بدهد. به هر حال با وجود استاد نصیریان به رسم شب یلدا همگی پای صحبت‌های یکی از بزرگان نشستیم و از بیان خاطرات شیرینش لذت بردیم. در این گزارش نگاهی کرده‌ایم به این برنامه و تهیه‌کننده کتاب‌باز از قصه حضور استاد گفته است.

## بغضی عاشقانه که ترکید

شاید یکی از تاثیرگذارترین بخش‌های برنامه، بغض استاد بود که در فراق یار و همدم و همراه زندگی‌اش در شب یلدا با خواندن ابیاتی عاشقانه و با سوز دل از مولانا ترکید و چشمانش را تر کرد و دل ما علاقه‌مندان و طرفدارانش را خون. اشعار زیبایی از مولانا که با آواز خواند و یکباره بغض در گلویش را نتوانست فرو برد و گریست: دید از زاریش کو زار دلست / تن خوشست و او گرفتار دلست عاشقی پیداست از زاری دل / نیست بیماری چو بیماری دل علت عاشق ز علت‌ها جداست / عشق اسطراب اسرار خداست عاشقی گرزین سرو گرزان سرست / عاقبت ما را بدان سر رهبرست هرچه گویم عشق را شرح و بیان / چون به عشق آیم خجل باشم از آن گرچه تفسیر زبان روشن‌گريست / ليک عشق بی‌زبان روشن‌ترست چون قلم اندر نوشتن می‌تافت / چون به عشق آمد قلم بر خود شکافت اما در کنار این بغض، برقی که از یادآوری روزهای شیرین گذشته در چشمانش درخشید، حس و حال خوبی را به ما منتقل کرد. از روزهای کودکی و یلداهای سرد اما دلچسب و خاطره‌انگیز در کنار خانواده و مجمع پر از خوراکی‌های روی کرسی گفت و تقال‌های بی‌پهانه و با بهانه افراد به حافظ در بلندترین شب سال و شعرخوانی و آوازخوانی بزرگ‌ترهای خانه که به قدری مصور این خاطرات را بیان کرد که به‌راحتی می‌شد آن روزها را در ذهن تداعی کرد و حظش را برد.

## از نقالی و تعزیه تا تئاتر

استاد در بخش دیگری از این گفت‌وگوی صمیمانه با همان بیان شیرین و شیوایش پیشنهادی برای کتابخوان‌ها هم داشت که از تجربه و دانش استاد نشأت می‌گرفت. این‌که لزومی ندارد همه کتاب‌هایی را که می‌خواهیم بخیریم؛ بلکه می‌توانیم با دوستان‌مان کتاب‌ها را مبادله کنیم. البته به شرطی که امانت‌دار خوبی باشیم و آنها را به صاحبش بازگردانیم. همچنین تعدادی کتاب هم معرفی کرد. از جمله «سوءتفاهم» آلبِر کامو یا ترجمه‌ای از جلال آل احمد که جزو نخستین کتاب‌هایی بود که استاد خرید و نمایشنامه‌ای هم بر همین اساس نوشته است. همچنین از نقالی و تعزیه‌های دوران کودکی‌اش گفت و این‌که با گذر زمان جایشان را به تفریحات دیگر و رسانه‌ها دادند. این‌که او با تماشای نمایش‌های مذهبی به تئاتر علاقه‌مند شد. در این بین سروش صحت هم یک میرزان تمام‌عیار بود و با علاقه و احترام شنونده قصه‌های استاد نصیریان شد. برخلاف بعضی مجری‌ها در خلال حرف‌های استاد ورود پیدا نکرد و در واقع مستمع خوبی برای قصه‌های استاد بود. یکی از مهم‌ترین نکاتی که استاد در این برنامه مطرح کرد و بسیار قابل تأمل بود، زاویه نگاهش به بیماری منحوس کرونا بود. استاد این بیماری را دستاویزی قرار داد برای قدرشناسی و شکرگزاری و خوب بودن و خوب زیستن. این‌که زندگی انسان به آن‌ه دو می‌بند است و تبی. پس چرا شکرگزار نعمت‌ها و موهبت‌های خدا نباشیم و قدر لحظه‌های زندگی و با هم زیستن را ندانیم.

## با حضور استاد نصیریان نیازی به سوال نبود



فرهاد آتیش اگر این موضوع را پیگیری کنیم، زودتر و قطعی‌تر به نتیجه می‌رسیم. آقای آتیش هم جزو خانواده کتاب‌باز به حساب می‌آید. بعد از تماس سروش با آقای آتیش در یکی از قسمت‌های برنامه خبر رسید که علی نصیریان به برنامه می‌آید. اینجا بود که با هم جمع شدیم و فکر کردیم که باید برای این جریان و این حضور چه کنیم که به بهترین شکل ممکن برگزار شود و همه کیف کنند.

☞ **و به چه نتیجه و برنامه‌ریزی رسیدید؟**

برای این بخش ایده زیاد داشتیم. آیت‌هم متعددی هم ساختیم اما همه را کنار گذاشتم چون گفتم حیف است از زمان این گفت‌وگو کم شود. در ادامه جلساتی برای طراحی سوال گذاشتیم چون خیلی سخت بود که برای ایشان سوال طراحی کنیم. البته بخشی از ماجرا حین گفت‌وگو اتفاق می‌افتد و خیالمان از سروش راحت بود.

☞ **اما فرصت طرح سوال چندانی نشد.**

بله، در ادامه سوالات که آماده شد و سروش شروع به خیر مقدم گفتن به او کرد، اصلا دیگر آن سوالات مطرح نشد چون ایشان خودشان شروع کردند به قصه‌گفتن، تعریف خاطره، آواز خواندن و اتفاقات دیگری که همه و همه در لحظه اتفاق افتاد. یعنی در کل سروش هم سراپا گوش بود و نتوانست چندان سوال بپرسد.

من فکر می‌کنم که هم ادب این اقتضا را می‌کرد و هم شیرینی این گفت‌وگو به آن بود که آقای نصیریان هر آنچه باید را بگویند و ما گوش کنیم. به همین دلیل به نظرم این اتفاق رخداد درستی بود و به نظرم به لطف خدا برنامه موفقی شد.

☞ **خود آقای نصیریان بعد از مدت‌ها در قاف برنامه‌ای در تلویزیون حاضر شدند، حس و حال خودشان از این حضور چه بود؟**

به نظرم به آقای نصیریان هم در برنامه خوش گذشته بود. فردای آن روز هم که سروش برای تشکر تماس گرفت، او گفت که استاد خیلی ابراز لطف و رضایت داشتند. البته در جمله‌های پایانی او هم این موضوع در صحبت‌هایشان هست و در آخر برنامه گفتند که خوب است باز هم درباره تئاتر، سینما و... گفت‌وگو کنیم.

☞ **این اتفاق ممکن است دوباره تکرار شود؟ در قالب همان برنامه‌ای که خودشان همه به آن اشاره کردند؟**

طبیعتا به دلیل کرونا نمی‌شود خیلی این فضا را تکرار کرد. ما در شرایط خیلی سنگین کرونایی با محدودیت‌ها و حداقل نفرات برنامه را برگزار کردیم و همه عوامل به شدت رعایت کردند. به همین دلیل خیلی نمی‌شود مزاحم استاد نصیریان شد مگر آن‌ که ویژه برنامه‌ای داشته باشیم. در صحبتی هم که با هم داشتیم ایشان گفتند بگذارید مدتی از پخش این برنامه فاصله بگیریم تا بعد.

☞ **نکته و صحبتی از این ماجرا باقی مانده است؟**

دیاولوکی بین من و آقای نصیریان مطرح شد که هم شیرین است و هم تلخ. من برای هماهنگی‌ها با ایشان تماس گرفتم و او گفت من هیچ مشکلی برای حضور در برنامه ندارم و تنها مراقب کرونا باشم. او در ادامه گفت «نه آن‌ه که فکر کنید من دودستی به دنیا چسبیده‌ام، بلکه بچه‌هایم ایران نیستند و می‌خواهم روزی بچه‌هایم را ببینم.» من با شنیدن این جمله بغض کردم و به همین دلیل خیلی تلاش کردیم تا همه پروتکل‌ها را رعایت کنیم و همه موارد را در نظر بگیریم. ☞